

والنتین کاتاسونوف (Valentin Katasonov) پروفیسور، دکتور علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه بنام «سرگئی فیودوروویچ شاراپوف»

مترجم: ا. م. شیری

## جهان مالی موازی (۱)

<http://www.fondsk.ru/news/2013/02/10/parallelnyj-finansovyz-mir-i-19070.html>

۲۵ دلو ۱۳۹۱

وام دهندگان جهانی از مدتها پیش خود را خدایان تصور می کنند و خالق. آنها مصمم اند دنیای پولی- مالی خود را از هیچ بیافرینند و «از باد» پول بسازند. بدین ترتیب در کنار جهان پیدای مالی، جهان مالی ناپیدا، موازی پدید آمد.

\*\*\*

**جهان مرئی مالی**، از مجموعه بانکهای تجاری، صندوقها، شرکتهای سرمایه گذاری، بانکهای مرکزی، وزارتخانه های دارائی؛ بازارهای مالی (سهام، ارز، پولی- اعتباری، بیمه)، ابزارهای مالی (اوراق قرضه، سهام، مشتقات و انواع دیگر کاغذهای بهادار) و نظائر آنها تشکیل یافته است. جهان پیدای مالی در حسابرسی های مختلف و آمارهای مالی تظاهر می یابد، در میدان دید تنظیم کنندگان مالی، مجالس قانونگذاری، دیوان محاسباتی، رسانه های جمعی، جامعه متخصصان و غیره قرار دارد. عملکرد جهان مرئی مالی بواسطه قوانین اساسی، قانونها و توافقات بین المللی تنظیم می شود.

در باره وجود **جهان نامرئی مالی**، اکثریت قریب به اتفاق مردم بطور کلی هیچ تصویری ندارند. این بخش، قبل از همه، بخش سایه ای نظام مالی بین المللی، آن دسته از مؤسسات مالی و عملیات مالی را شامل می شود، که تحت پوشش پیرامونی ها قرار دارند و از چشم تنظیم کنندگان (بانکهای مرکزی، وزارتخانه های دارائی، کمیته های اوراق بهادار و سایر) پنهان می مانند. در مورد ابعاد بخش نامرئی مالی فقط می توان حدس زد، برای اینکه ساکنان این دنیای تاریک در مقابل تنظیم کنندگان پاسخگو نیستند و گزارشهای آماری نیز به ارگانهای ذینفع دولتی تقدیم

نمی‌کنند. ساکنان این دنیا را گروه‌های جنایتکاران سازمانیافته مرتبط با قاچاق مواد مخدر، تجار اسلحه، تاجران برده و غیره تشکیل می‌دهند. این دنیای حتی نه «خاکستری»، بلکه، «سیاه» اقتصاد، همه موازین حقوقی جزائی را نقض می‌کند. گردش مالی آن، بر اساس برآورد کارشناسان، سالانه به چندین تریلیون دلار می‌رسد... علاوه بر آن، یکسری مؤسسات مختلف، که به فعالیت مخفی روی نمی‌آورند، به بخش سایه ای وارد می‌شوند. بسیاری از آنها، علنا، انواع خدمات خود را به اشخاص حقیقی و حقوقی پیشنهاد می‌کنند. مثلا، صندوقهای تأمین به انواع دادوستدها، یا بانکهای معتبر(با قرار دادن سپرده های مشتریان در حوزه های پیرامونی)، به بانکداری خصوصی مشغول می‌شوند. چنین مؤسساتی، خود و خدمات مشکوک خود را همواره در رسانه جمعی تبلیغ می‌کنند. آنها براحتی از حوزه قوانین و نظارت مالی خارج می‌شوند و نه تنها از قوانین مدنی عمومی و موازین حقوق بین‌المللی پیروی نمی‌نمایند، بلکه، از خط مشی خاص خود تبعیت می‌کنند. عمق بسیار و ابعاد گسترده آخرین بحران مالی که عملا تمام جهان را در هم نوردید، بدلیل رشد نجومی بخش نامرئی مالی، تداوم قابل ملاحظه ای یافت. به عقیده بسیاری از کارشناسان، این فقط «موج» اول بحران بوده و هنوز پایان نیافته است.

جهان نامرئی یا موازی مالی، فقط به «بخش سایه» محدود نمی‌شود. برخی بخشهای آن را می‌توان **مخفی** نامید. دنیای مخفی مالی بسیار متنوع است و تمامیت آن بر کسی معلوم نیست. این دنیا، مجموعه ای از مناسبات و توافقات نامه های مختلف مالی را که در خفا و به دور از چشم مردم، مجالس قانونگذاری، نهادهای رسمی مالی و سازمانهای بین‌المللی تنظیم می‌شود، در خود جمع کرده است. **موافقت نامه های سرّی بین دولتها**، بارزترین نمونه آن می‌باشد. برخی از آنها (منجمله، موافقت نامه مالی بین ایالات متحده آمریکا، انگلستان با آلمان پس از بقدرت رسیدن هیتلر) و نمونه های بسیاری از توافقات سرّی بی‌شمار بین مؤسسات خصوصی امروزه افشاء شده اند. بعنوان مثال، بانکها بطور سنتی و بر خلاف قوانین ضد انحصاری، **موافقت نامه های کارتلی** انعقاد کردند و به امضای چنین موافقت نامه هایی ادامه می‌دهند. در این باره، یادآوری بروز سروصدا در نتیجه توطئه پنهانی بین بانکهای بزرگ در سال ۲۰۱۲، که نرخ بهره بین بانکی لندن (LIBOR) را دستکاری کردند، کفایت می‌کند.

در معاملات سرّی مشخص و توافق نامه ها معمولا خواص شرکت می‌کنند و شاهدان غیرضروری یا تصادفی «خواص»، بیدرنگ حذف می‌شوند. این دنیای مخفی مالی از خیلی وقتها پیش شکل گرفته و نه تنها بر روی اقتصاد جهانی و مالی بین‌المللی، حتی بر روی سیاستهای بسیاری از

کشورها و مناسبات بین المللی تأثیر بسیار قوی گذاشته و به این تأثیرگذاری همچنان ادامه می دهد.

\*\*\*

امروز در اینترنت مدارک زیاد مربوط به اسرار مالی وجود دارد. بحث مرکزی آنها را دو موضوع بهم مرتبط تشکیل می دهد.

**موضوع اول:** طلای «سیاه». منظور از آن، فلز زردی است که در گاوصندوقها و زیرزمینهای یکسری بانکهای مرکزی، بانکهای خصوصی جهانی و دیگر مؤسسات مالی نگهداری می شود. احتمال می رود که مقدار این فلز چندین برابر بیشتر از میزان طلای اندوخته در همه کشورهای جهان باشد؛ طبیعی است، که این طلای «سیاه»، اندوخته خیلی محرمانه محسوب می شود و بهیچوجه در ترازنامه ها یا آمارها نشان داده نمی شود.

موضوع دوم: عبارت از بسته های اوراق قرضه مرموز خزانه داری آمریکا و نظام ذخیره فدرال می باشد که به سالهای بین دو جنگ جهانی مربوط می شود. رقم نجومی آن اعجازانگیز است: **بهای اسمی اوراق قرضه به صدها میلیون دلار، و مبلغ کل بسته های اوراق قرضه اعلام شده، به تریلیونها دلار سر می زند.**

هر دو موضوع بسیار مغشوش است. قدرتهای پولی، منجمله، نظام ذخیره فدرال و خزانه داری آمریکا در مورد حوادث مرتبط با اوراق قرضه و طلای دنیای نامرئی مالی، تقریباً بطور کامل سکوت می کنند. در هر حال، این هم مختصری از گاه شمار پیدایش اوراق بهادار مخفی با صفرهای فراوان.

ده سال پیش، من برای اولین بار با این موضوع که در روزنامه انگلیسی ایندی پندنت مورخ ۲۸ اکتبر سال ۲۰۰۳ چاپ شده بود، آشنا شدم. نوشته این روزنامه از تلاش **گراهام هالکسورت**، کارشناس حقوقی انگلیس، که در سال ۲۰۱۱ سعی کرد همراه با **مایکل سلاماج**، (تبعه یوگسلاوی سابق) مقیم کانادا، چند اوراق قرضه نمونه سال ۱۹۳۴ خزانه داری آمریکا را به بانک بازرگانی امپریال کانادا در تورنتو «قالب کند»، اطلاعاتی در بر داشت. هر دو بازداشت شدند، تحقیقات نشان داد، که آنها بسته های اوراق قرضه به ارزش **۲ و نیم تریلیون دلار** در دست داشتند. مقامات آمریکائی این اوراق را جعلی اعلام کردند. پرونده به دادگاه لندن ارجاع شد و در

جلسه دادگاه، متهمان منبع اولیه باصطلاح نسخه های اوراق قرضه را **مورگنتا (Morgenthau)** اعلام کردند. این دو متهم، آنها را وابسته به طلای (سیاه) دانستند که مقامات پولی آمریکا از چیان کای شک در چین خریده اند. این موضوع در رسانه های جمعی جهان بازتاب گسترده ای نیافت<sup>(۱)</sup>.

بار دوم در تاریخ ۳ ژوئن سال ۲۰۰۹ در ایتالیا، در ایستگاه کوچک راه آهن **چياسو** واقع در نزدیکی مرز سوئیس اتفاق افتاد. پلیس ایتالیا دو تبعه ژاپن را که برای انتقال غیرقانونی اوراق قرضه آمریکائی به ارزش **۱۳۴ میلیارد دلار** به سوئیس سعی می کردند، بازداشت کرد. بگزارش پلیس، این دو نفر اوراق قرضه را در چمدان جاسازی کرده بودند، که در جریان بازرسی کشف شد. این دو فرد مظنون مجموعاً ۲۵۹ قطعه اوراق بهادار همراه داشتند. ارزش اسمی ده قطعه آنها، هر کدام ۱ (یک) میلیارد دلار و ۱۴۹ قطعه بقیه، هر یک ۵۰۰ میلیون دلار بود. این حادثه که مسائل عجیب و مرموز بسیاری را در بطن خود داشت، برخلاف مورد اول، بازتاب گسترده ای یافت. مثلاً، ابتدا (ایتالیا) این اوراق قرضه را واقعی شناخت، ولی سپس (با استناد به منابع آمریکائی) آنها را جعلی اعلام کردند. دو متهم ژاپنی هم بطور کلی ناپدید شدند.

حادثه سوم، دقیقاً دو ماه پس از دستگیری ژاپنی ها در **چياسو**، در اسپانیا روی داد. پوشش رسانه ای این حادثه، بر خلاف حادثه قبلی، بسیار محدود بود. گزارشها از سرقت و مصادره اوراق بهادار به ارزش **یک تریلیون و ۶۴۰ میلیارد دلار (۱۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰)** توسط مقامات اسپانیا خبر می داد. رسانه های اسپانیا آنها را «اسناد قرضه بانک ذخیره فدرال» اعلام کردند.

چهارمین، بزرگترین و پر سروصداترین حادثه یک سال پیش اتفاق افتاد. در این باره، قبل از همه، خبرگزاری آسوشیتدپرس در ۱۷ فوریه سال ۲۰۱۲ در گزارشی دایر بر سرقت اوراق بهادار به ارزش ۶ تریلیون دلار از یکی از بانکهای سوئیس (زوریخ) خبر داد، ولی نام بانک اعلام نشد. جالب است که به عملیات کشف اوراق بهادار در خاک سوئیس، پلیس ایتالیا مشغول شد. بزودی جزئیات چندی روشن شد. رسانه های جمعی خبر دادند، که این اوراق در سال ۱۹۳۴ منتشر شده و در سال ۲۰۰۷ از هنگ کنگ به سوئیس آورده شده اند. لازم به ذکر است، که رسانه ها این اوراق را بنامهای مختلفی مانند «اوراق قرضه آمریکا»، «اوراق قرضه خزانه داری آمریکا»، «اوراق قرضه بانک فدرال رزرو»، «بلیط های خزانه داری» نامیدند. در سوی دیگر، تناقضات بزرگی مشاهده شد. مثلاً، منابع مختلف ارزش اسمی اوراق را از ۱ میلیارد تا ۱۰۰ میلیون دلار ذکر کردند. مقامات آمریکائی با قاطعیت اعلام کردند، که بسیاری از مکشوفات در زوریخ، اوراق جعلی هستند.

اتفاقات فوق الذکر باضافه اطلاعات مربوط به تاریخچه پیدایش طلای «سیاه» و میزان اندوخته تا کنونی آن و همچنین، اطلاعات هشداردهنده در باره علاقمندی ویژه سازمانهای امنیتی آمریکا به اوراق «تقلبی» تکمیل می شوند. سازمانهای امنیتی آمریکا (پیش از همه، سازمان سیا) عملیات تعقیب دارندگان اوراق قرضه قبل از جنگ و ضبط اوراق آنها را سازمان دادند. در رابطه با این مسئله، **کارول آدلر**، مدیر انتشارات «داندلیون بوکس» (**Dandellion Books**)، در حدود ده سال قبل (۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۳) یک مطلب مطبوعاتی راجع به تماس خود با یک مأمور سازمان سیا در سایت «**rense.com**» درج نمود، که او، «اقتصاد غیبی» و عملیات جستجو و ضبط اوراق بهادار را توضیح می داد<sup>(۲)</sup>.

سعی می کنیم این سیل قدرتمند و گل آلود اطلاعات را بررسی نموده و ارزیابی خود را از این مسئله اعلام کنیم، که واقعا چقدر می توان به اظهارات رسمی مقامات آمریکا مبنی بر اینکه اوراق با صفرهای زیاد تقلبی هستند، باور کرد.

ادامه دارد...

## زیر نویسها

(۱) — این اوراق بنام هنری مورگنتای کوچک نامیده می شدند. او در فاصله سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۵، یعنی در دوره ریاست جمهوری فرانکلین روزولت، وزیر دارائی آمریکا بود.

(۲) — انتشارات مورد اشاره، مقدمات چاپ کتابی را تدارک می دید که در آن، مأمور مورد نظر قصد داشت، جزئیات فعالیتهای سازمانهای امنیتی آمریکا در رابطه با شناسائی باند اوراق «مخفی» را به خوانندگان توضیح دهد. اما او بطور ناگهانی مُرد و دستویس کتاب وی به شکل مروزی